

جهانی‌سازی و انقراض زبان‌های محلی

(مورد شهر صحنه استان کرمانشاه)

محمد فرهادی^۱، عابدین خسروی^۲، جلیل کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده

مسئله مرکزی مکتوب حاضر مطالعه‌ی علل کم‌رنگ‌شدن زبان مادری در شهر صحنه در استان کرمانشاه است. مسئله زبان فراتر از گویش آدمیان و امری مربوط به شکل زندگی و لذا مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی است. از این منظر شکل زندگی و زبان ملازم با آن، پراکسیس اعضای جامعه را توضیح می‌دهد. روش مناسب بررسی مسئله باید توجیه عاملان از وضعیت‌شان را تحلیل کند به همین دلیل نظریه‌ی زمینه‌ای به عنوان روش این تحقیق انتخاب و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از استدلال استقفاهی بهره گرفته شد.

نتایج تحلیل، مقولات جهانی‌سازی، مدرنیزاسیون، کاربردزدایی از زبان محلی، ضرورت اقتصادی و دولت را از مهمترین عوامل کم‌رنگ‌شدن زبان محلی معرفی کرد. منظور از جهانی‌سازی، جهانی سازی نوع خاصی از فرایندی اقتصادی است که سایر مقولات و نقش آن‌ها در فرایند انقراض زبان‌ها را توضیح می‌دهد.

واژگان کلیدی: جهانی‌سازی، شهر صحنه، کرمانشاه، کاربردزدایی از زبان محلی، دولت، ضرورت اقتصادی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)؛ m.farhadei@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه رازی؛ khosraviabedin@gmail.com

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی؛ jkarimi79@gmail.com

طرح مسأله

محیط اجتماعی محصول مواجهه‌ی آدمیان با طبیعت و دیگران است. انسان‌ها در جریان تغییر طبیعت برای بقا و بازتولید خود، مناسبات نمادین از جمله ساختارهای اجتماعی و زبان را پدید می‌آورند. زبان به مثابه وجه نمادین زندگی انسانی، پیوند وثیقی با پراکسیس انسان‌ها و شکل زندگی‌شان دارد و مناسبات زندگی جمعی و نهادهایی که از آن پدید می‌آید نظام دلالت واژگان و معنای آن‌ها را تعیین می‌کند. این بصیرت برگرفته از نظریه ویتگنشتاین دوم است که درهم تنیدگی زبان و زندگی را با مفهوم «بازی زبانی»^۱ تحلیل می‌کند. بر این اساس تغییر شکل زندگی می‌تواند به تغییر وضعیت یک زبان نیز بیانجامد که شاخصی برای شناسایی روندهای کلان اقتصادی و سیاسی هم محسوب می‌شود.

از این منظر امتداد یا انقراض یک زبان به مثابه یک گونه‌ی زندگی، مسأله‌ای است که به مناسبات اقتصادی-اجتماعی راه می‌برد لذا مطالعه‌ی فراز و فرود زبان‌ها شاخصی برای بررسی مناسبات کلان در یک جامعه است. مرگ یک زبان با مختصات پیچیده‌ی مناسبات قدرت و اقتصادسیاسی در هم تنیده است که در سطوح ملی و بین‌المللی جریان دارد. جهانی‌سازی^۲ با ابعاد و پیامدهای متنوع یکی از مهمترین عوامل تغییر اجتماعات انسانی و به طریق اولی زبان آن‌هاست.

از منظر جامعه‌شناختی، برخلاف ادعای مشهور، جهان یک «دهکده» نیست و تفاوت‌های تعیین‌کننده‌ای جوامع را از هم متمایز می‌کند. با توجه به مؤلفه‌های جهانی‌سازی این گزاره نه یک توصیف که تجویز یک نظم اقتصادی اجتماعی خاص است. بر همین قیاس کشورهای مختلف نیز بهره‌ی یکسانی از «تهدیدها و فرصت‌ها»ی جهانی‌سازی بر نداشته‌اند؛ تهدیدها متوجه بخشی از مردم جهان و فرصت‌ها نصیب بخش دیگری شده است. کشورهای پیرامونی نظم جهانی از افزایش نابرابری و بیکاری، تخریب محیط‌زیست و محیط اجتماعی آسیب بیشتری دیده‌اند. دامنه‌ی این آسیب‌ها به زبان و گویش ساکنان این کشورها نیز رسیده است و زبان‌های بسیاری در معرض انقراض قرار دارند.

1 . language game

2 . Globalizing

ایران به عنوان کشوری پیرامونی نیز از اثرات جهانی‌سازی برکنار نمانده است. در ایران نیز مناطق مختلف به واسطه‌ی موقعیت تاریخی‌شان در اقتصاد و سیاست به گونه‌های متفاوتی از جهانی‌سازی متأثر شده‌اند. استان کرمانشاه با مختصات متنوع اقلیمی و اجتماعی به گونه‌ای خاص با مناسبات جهانی‌سازی مواجه شده که مطالعه‌ی ابعاد آن برای فهم وضع موجود و آینده‌ی احتمالی ضرورتی فوری پیش می‌نهد. تنوع اقتصادی، اجتماعی و مناسبات تاریخی در کرمانشاه به تنوع زبان و لهجه منجر شده که بر شکل‌های زندگی متکثر دلالت دارد. پیامدهای جهانی‌سازی با مکانیسم‌های پیچیده‌ای بر وضعیت زبان‌های این استان عارض شده و برخی از آن‌ها را در معرض خطر نابودی قرار داده است.

این مکتوب از این منظر به علل کمرنگ‌شدن زبان مادری در شهر صحنه استان کرمانشاه را مورد بررسی قرار می‌دهد. زبان مردم صحنه کُردی و لکی است اما در سال‌های اخیر گویشوران آن‌ها به شدت کاهش یافته‌اند و نسل جدید زبان اول خود را لکی یا کُردی نمی‌دانند. چنین تحولی تنها مربوط به زبان نیست و شاخصی برای تحولات عمیق و فراگیر در سایر مناسبات زندگی جمعی است. این پژوهش به دنبال طرح درست پرسش چرایی مرگ زبان‌ها از رهگذر اکتشاف مناسبات ملی، محلی و بین‌المللی میانجی این رویداد است.

متکای نظری

برای توضیح نسبت جهانی‌سازی و انقراض زبان، تدقیق روایت متبوع این مکتوب از مفهوم جهانی‌سازی یا لفظ مشهور آن یعنی جهانی‌شدن^۱ ضروری است. گیدنز^۲ و بک^۳ جهانی‌شدن را با دو سویه‌ی تهدیدها و فرصت‌ها توصیف می‌کنند (بلاک و کامرون^۴، ۲۰۰۱: ۴) که فرصت‌های آن توسعه تکنولوژی و رفاه بیشتر و مهار نیروهای طبیعت که با خطراتی مانند جنگ و تخریب محیط‌زیست همراه هستند. جریان مسلط، به فراگیری الگوهای اقتصادی اجتماعی که به افزایش رفاه و رضایت هم‌همی مردمان می‌انجامد اشاره می‌کند و با تأکید بر تکنولوژی‌های ارتباطی که در حال گسترش هستند، جهانی‌شدن را «بستر تعامل فرهنگ‌ها» (لادگار^۵، ۲۰۲۱) و فرایندی ناگزیر می‌داند.

- 1 . Globalization
- 2 . Anthony Giddens
- 3 . Ulrich Beck
- 4 . Block & Cameron
- 5 . Ladegaard

در مقابل منتقدان دگراندیش با توجه به «دوره‌های رکود اقتصادی که کشورهای پیرامون را در بحران بیکاری و افزایش نابرابری غرق کرده است و امیدی به پایان‌یافتن آن‌ها نیز در چشم‌رس نیست» (کارادی^۱، ۲۰۱۰: IV)، این ادعاها درباره جهانی‌شدن را به چالش می‌کشند. منتقدان معتقدند «آنچه به نام جهانی‌شدن در حال وقوع است نظمی جهانی است که باعث انباشت قدرت و ثروت در کشورهای توسعه‌یافته به هزینه‌ی مردم فقیر، بی‌صدا و نادیده‌انگاشته‌ی کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد» (لادگارد، ۲۰۲۱).

در این تلقی جهانی‌شدن، گسترش الگوهای اقتصادی و فرهنگی کشورهای توسعه‌یافته است که در جستجوی بازارهای هموار برای تضمین فروش کالاها و خدمات خود هستند. با این وصف جهانی‌شدن در بنیان خود واقعه‌ای اقتصادی است. فریدمن از اقتصادشناسان بازار آزاد نیز تصریح می‌کند «ایده‌ی پیشران جهانی‌شدن اقتصاد آزاد سرمایه‌داری و به معنای پراکندن تخم بازار آزاد در کشورهای بیشتری از جهان است» (فرکلاف^۲، ۲۰۰۶: ۸).

با وجود تأکیدی که بر وجوه فرهنگی جهانی‌شدن می‌شود تا بنیان اقتصادی آن پنهان گردد «جهانی‌شدن و رای همه‌ی تعابیری که از آن وجود دارد سازوکاری اقتصادی است... جهانی‌شدن وجه جهان‌روای نئولیبرالیسم است که از برنامه‌های تاجر، ریگان و کارتر آغاز شد. این فرایند اساساً معطوف به برداشتن مرزهای سرمایه است که بر اساس *اجماع واشنگتن*^۳ با همراهی امریکا و اروپا به سیاست غالب اقتصادی با پشتوانه‌ی نهادهای جهانی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بدل شد» (ناوارو^۴، ۲۰۰۷: III).

از این منظر جهانی‌شدن، جهانی‌سازی سرمایه است و برداشتن مرزهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و تمهید مناسبات سازگار با خود هدف اصلی آن محسوب می‌شود. سرمایه در این مسیر به نوع نظام سیاسی کشورها حساس نیست و حتی با حمایت از نخبگان سیاسی این کشورها آنان را به عاملان اقتصاد نئولیبرال بدل می‌کند.

«جهانی‌شدن و نئولیبرالیسم دو روی سکه هستند. نئولیبرالیسم در کشورهای در حال توسعه با کارگزاری الیگارش‌ی اقتصادی که به همراه نخبگان سیاسی، طبقه مسلط در این کشورها هستند،

1 . Corradi

2 . Fairclough

3 . Washington Consensus

4 . Navarro

پیش می‌رود و دولت‌ها را به عاملان ایدئولوژی نئولیبرالیسم تبدیل می‌کند. نئولیبرالیسم بر خلاف آنچه مشهور است کوچک کردن دولت نیست بلکه نوع جدیدی از دولت رفاه است که بر سیاست‌های طبقاتی متکی بوده و خدمات اجتماعی را به طبقات حامی خود ارائه می‌دهد» (همان). با این اوصاف «جهانی‌سازی» مفهوم دقیق‌تری برای کشورگشایی بدون فتح سرزمین‌هاست. در این فرایند آنچه جهانی می‌شود مناسبات اقتصادی متمایزی است که به نام نئولیبرالیسم شناخته می‌شود و چهره‌های متفاوتی دارد اما پیامد آن برای همه‌ی کشورها یکسان بوده است. هابسباوم^۱ نابرابری را مؤلفه‌ی اصلی این فرایند می‌داند «بازار آزاد که سودای جهانی شدن دارد، با رشد اقتصادی به افزایش نابرابری بین کشورها و درون آنها دامن زده است. ارتش ذخیره کار جهانی از مهاجران مناطق فقیر تأمین می‌شود و بیشترین آسیب را به این کشورها وارد می‌کند» (بلوم‌مرت^۲، ۲۰۱۰: ۲).

جهانی‌سازی این نظم اقتصادی، پیامدهای فرهنگی زبان‌باری برای کشورهای قربانی پدید آورده است. «تعبیر ریتزر^۳ از جهانی‌شدن یک ویران‌شهر^۴ است؛ فرهنگ مصرف‌یگسان‌سازی‌شده‌ی جهانی به زندگی بی‌روح و افسون‌زدوده می‌انجامد که در آن تجربه کالایی‌شده جایگزین حس اصالت شده است» (بلاک و کامرون، ۲۰۰۱: ۳). یکسان‌سازی سبک زندگی به مک‌دونالدی شدن زندگی آدمیان انجامیده که مهمترین مؤلفه‌ی کشورهای مرکز جهانی است (همان).

همچنان‌که در نقد توسعه‌ی سبز آشکار شده، «امکان رشد اقتصادی بدون آسیب‌زدن به طبیعت امکان‌پذیر نیست» (هیکل و کالیس^۵، ۲۰۲۰) و جهانی‌سازی بدون بهره‌کشی از گروهی به نفع گروهی دیگر قابل تصور نیست. رشد اقتصادی که غایت جهانی‌سازی است با تغییر مناسبات مادی و معیشتی آدمیان، شکل زندگی و به طریق اولی زبان آن‌ها را دگرگون می‌کند. «چنان‌که در مناطق توسعه‌یافته‌ی امریکای شمالی و استرالیا مشاهده شده، رشد اقتصادی رابطه‌ی مستقیمی با مرگ زبان‌ها در این مناطق دارد. زبان‌های در معرض خطر نیز در کشورهای در حال توسعه قرار دارند» (آمانو و دیگران^۶، ۲۰۱۴).

1 . Eric Hobsbawm
2 . Blommaert
3 . Ritzer
4 . dystopia
5 . Hicckel & Kallis
6 . Amano & et al

با این اوصاف با تکیه بر ایده‌ی بنیانی این مکتوب که زبان و زندگی را در هم تنیده می‌داند، مرگ زبان ریشه در تغییر شرایط زندگی دارد و جهانی‌سازی مهمترین عامل دگرگونی در دوران معاصر است. تکنولوژی‌های ارتباطی نیز بر همین قیاس ابزار تولید سرمایه‌داری متأخر هستند و روابط طبقاتی را در پهنه‌ی جهانی گسترانده‌اند. بر خلاف آنچه تصور می‌شود ابزارهای ارتباطی بیش از آنکه در خدمت رهایی باشد ابزار سلطه‌ی عمیق‌تر شده است.

روش پژوهش

مسأله و روش تحقیق در تلائم متقابل با هم هستند. از آنجا که موضوع این مطالعه بررسی چرایی کاهش تکلم به زبان محلی است، روش مناسب باید بتواند دلایل عملی و نظری عاملان در توضیح کردارشان را به دام تحلیل بیاندازد. بر این اساس مناسب‌ترین روش برای مسأله‌ی این مکتوب، نظریه‌ی زمینه‌ای^۱ است. در این روش محقق با ذهنی باز به میدان مطالعه وارد می‌شود و به جمع‌آوری داده می‌پردازد. فکر معرفت‌شناختی حامی این روش، عاملان را واجد عاملیت مقید به مناسبات محاط می‌داند و از این رو دلایلی که آنان از یک واقعه دارند واجد شأنی تئوریک و مفهومی برای محقق هستند. به همین دلیل مصاحبه بهترین ابزار گردآوری داده در این روش محسوب می‌شود.

تجزیه و تحلیل در روش نظریه زمینه‌ای بر استدلال استفهامی^۲ ساندرس پیرس^۳ استوار است که در آن تحلیل، طبقه‌بندی و مقایسه‌ی داده‌ها به ایده‌ای جدید منجر می‌شود؛ ایده‌ای که مورد انتظار نبوده و داده‌ها آن را پیش نهاده‌اند (سرنديپیتی^۴).

در این روش نمونه‌گیری تابع منطق مسأله‌ی تحقیق است و تعداد آن بر اساس تکمیل منظومه‌ای مفهومی تعیین می‌شود. ملاحظه‌ی تکنیکی انتخاب نمونه، پوشش تنوعات دخیل در قلمرو مفهومی تحقیق از جمله طبقه، سن و جنس و شغل در میدان پژوهش است.

اعتبار نظریه‌ی زمینه‌ای با توصیف دقیق و گزارشی منسجم و مقنع از نسبت مقولات و مفاهیم تأمین می‌شود و بخشی از آن از سوی خوانندگان و صاحب‌نظران همسو با رویکرد تحقیق پس از انتشار افاده می‌شود.

1 . grounded theory

2 . abduction

3 . Charles Sanders Peirce

4 . serendipity

در این پژوهش، جهانی‌سازی و مفاهیم توضیح‌دهنده‌ی آن به عنوان نظریه‌ی راهبر طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است. انتخاب این مفهوم نیز ماحصل تحلیل داده‌ها بوده است. چنانکه اقتضای استدلال استفهامی است، رفت و برگشت میان نظریه و داده‌ها، مقولات و مفاهیم و نتایج تحقیق را تعیین کرده است. در تحلیل داده‌ها که با تکنیک مصاحبه جمع‌آوری شده است، توصیف و تبیین همزمان انجام خواهد شد. در تحقیقات اکتشافی توصیف خود شکلی از تبیین است و تفکیک آن‌ها امکان‌پذیر نیست. از این جهت خود چینش داده‌ها و ترتیب و توالی آن‌ها می‌تواند سطحی از تبیین را افاده کند. در این راستا گزاره‌ها با دلالت‌های مشترک ذیل یک مفهوم دسته‌بندی می‌شوند و سپس رابطه نظری مفاهیم مستخرج، در پرتو رویکردی نظری بررسی می‌شود تا تحلیلی مقنع از روابط موجود به دست داده شود.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	ردیف	تحصیلات	شغل	سن	مدت مصاحبه
زن	۱	کارشناسی	کارمند	۲۸	۲۱ دقیقه
	۲	دیپلم	خانه دار	۴۲	۲۸ دقیقه
	۳	کارشناسی	دانشجو	۳۰	۲۰ دقیقه
	۴	کارشناسی	کارمند	۳۴	۲۲ دقیقه
	۵	دیپلم	خانه دار	۳۶	۱۵ دقیقه
	۶	کارشناسی ارشد	کارمند	۲۹	۲۶ دقیقه
	۷	کارشناسی	دانشجو	۲۶	۲۳ دقیقه
	۸	کارشناسی	کارمند	۲۷	۱۸ دقیقه
	۹	کارشناسی	فروشنده	۲۷	۲۷ دقیقه
	۱۰	سیکل	کارگر	۳۸	۱۷ دقیقه
مرد	۱۱	ابتدایی	مغازه دار	۴۵	۱۸ دقیقه
	۱۲	کارشناسی	بازنشسته	۶۲	۲۰ دقیقه
	۱۳	کارشناسی	کارمند	۳۴	۱۶ دقیقه
	۱۴	کارشناسی ارشد	کارمند	۳۰	۳۲ دقیقه
	۱۵	دیپلم	نگهبان	۴۵	۲۷ دقیقه
	۱۶	کارشناسی	راننده	۳۶	۳۴ دقیقه
	۱۷	دیپلم	مغازه دار	۳۸	۲۵ دقیقه
	۱۸	کارشناسی ارشد	کارمند	۳۵	۱۷ دقیقه
	۱۹	کارشناسی	مغازه دار	۴۷	۳۲ دقیقه
	۲۰	کارشناسی	بازنشسته	۶۳	۲۹ دقیقه
	۲۱	دیپلم	راننده	۴۸	۱۹ دقیقه

تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها ابتدا طبقه‌بندی گزاره‌ها-به‌مثابه شکلی از تحلیل- مورد اهتمام است و در ادامه دلالت‌های نظری آن‌ها معرفی خواهند شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها ابتدا گزاره‌های مهم آن‌ها استخراج و در گام بعد گزاره‌های مشابه در دلالت مفهومی کنار هم چیده و به این ترتیب مفاهیم اصلی مصاحبه‌ها شناسایی شدند. سپس فضای مشترک معنایی مفاهیم ترسیم شد که به این ترتیب مقولات اصلی مصاحبه‌ها پدید آمدند.

ترتیب مقولات معرفی شده بر اساس اولویت آن‌ها در منظومه مفهومی تحقیق چیده شده است. اولویت مقولات بر تکیه بر دو معیار طراحی شده؛ اول فراوانی تکرار آن در مصاحبه‌ها و دوم اهمیت آن مقوله در ایجاد پیوند میان مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها. با این وصف مقولات مصاحبه‌ها به ترتیب زیر استخراج شده است؛

۱. جهانی سازی، ۲. مدرنیزاسیون، ۳. دولت، ۴. منسوخ کردن زبان گردی ۵. تحقیر فرهنگ محلی، ۶. اجبار در یادگیری زبان فارسی، ۷. ضرورت احترام به فرهنگ محلی، ۸. آسیب‌های تک‌زبانی، ۹. اهمیت فرهنگ بومی.

۱. جهانی سازی

جدول ۲: مقوله جهانی سازی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
جهانی سازی	جهانی سازی علیه فرهنگ محلی	جهانی شدن فرهنگ محلی را عقب مانده نشان می‌دهد آموزش زبان انگلیسی و فراموشی زبان محلی تغییر نگرش مردم به فرهنگ محلی تحت تأثیر فرهنگ جهانی جایگزینی فرهنگ محلی با فرهنگ جهانی نفی ضرورت فرهنگ محلی پیشرفت در گرو رهایی از سنت زبان محلی عامل بازتولید سنت و متعلق به گذشته معرفی شده

مقاله	مفاهیم	گزاره‌ها
	فرهنگ غربی عامل تضعیف هویت محلی	نفی فرهنگ محلی به غرب‌گرایی می‌انجامد فتح سنگر زبان به مثابه بنیاد هویت از سوی فرهنگ غربی تعلق والدین به ارزش‌های جهانی و خودداری از آموزش زبان محلی به فرزندان اضمحلال فرهنگ‌های محلی فرهنگ جهانی دشمن فرهنگ محلی
	فکر جهانی‌سازی	فرهنگ غربی اساس برنامه‌های رسمی دولت نوجویی و میل به پیشرفت پذیرش ارزش‌های جهانی از رهگذر علم سواد بیشتر ارزش‌های جهانی را تثبیت می‌کند و مناسبات محلی را تضعیف می‌کند
	دولت-ملت‌سازی	تشویق یادگیری زبان فارسی که حاوی ارزش‌های مدرن است کشورهای در حال توسعه ارزش‌های جهانی را اعمال می‌کنند طبقات بالا به مثابه نخبگان جامعه به زبان فارسی و فرهنگ غربی اشتیاق دارند زبان فارسی بستر ورود فرهنگ غربی
	استفاده نمایشی از فرهنگ محلی	استفاده تزیینی از فرهنگ محلی تبدیل فرهنگ محلی به امری باستان‌شناختی و تاریخی نه امری زنده و کاربردی
	تکنولوژی ابزار جهانی‌سازی	رسانه‌ها مروج فرهنگ غربی در مقابل فرهنگ محلی هستند کمرنگ شدن خانواده و اجتماع و جایگزینی آن با شبکه‌های اجتماعی تکنولوژی جدید بخشی از فرهنگ غربی و واسط آن است اثر رسانه‌های جهانی در کاهش کاربرد زبان محلی
	خودباختگی ملی	بدون فرهنگ محلی در برابر جهانی شدن بی دفاع هستیم درمبادله فرهنگی باید چیزی برای ارائه داشته باشیم از کاربرد انداختن فرهنگ محلی خودباختگی عاملان فرهنگ محلی در مقابل غرب

جهانی‌سازی با تعابیری مانند جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی، فرهنگ غربی، تکنولوژی و غرب مورد اشاره قرار گرفته است. گرچه این مفاهیم با معانی مبهم و کلی مورد استفاده قرار گرفته اما به عاملی فراتر از اراده افراد و حتی خارج از مدیریت دولت اشاره دارد که فرهنگ محلی را دستخوش تلاطم کرده که عدم‌استفاده از زبان مادری یکی از آنهاست.

نکته مهم این مفهوم مقولاتی هستند که جهانی‌سازی را توجیه می‌کنند؛ فکر جهانی‌سازی بستری برای اقدامات دولت-ملت‌ها در یکسان‌سازی فرهنگی و فراموشی و حتی نفی فرهنگ‌های محلی است. اساساً جهانی‌سازی از رهگذر برنامه‌های دولت در کشورهای در حال توسعه اجرا می‌شود. دولت‌ها نماینده مناسبات جهانی در مواجهه با فرهنگ محلی و کارگزار جهانی‌سازی هستند. خود دولت-ملت یکی از سازوکارهای ورود مناسبات مدرنیته و سرمایه‌داری در پوشش جهانی‌شدن است که به جهانی‌شدن سرمایه منجر می‌شود؛ ابزار دیگر خود تکنولوژی است که بستر تغییرات محتوای فرهنگ‌های محلی است.

تلقی از فرهنگ جهانی به‌عنوان غایت توسعه به خودباختگی ملی و تحقیر فرهنگ محلی می‌انجامد که با مفهوم مدرنیزاسیون قابل توضیح است. مدرنیته یا سرمایه‌داری از فرهنگ محلی به مثابه عنصر نمایشی و تزئینی استفاده می‌کند. در پرتو امرجدید، فرهنگ محلی به پدیده‌ای کهن و قدیمی تبدیل می‌شود که ارزش خود را از دست داده و تنها باید به‌عنوان نمادی از گذشته از آن یاد کرد تا معیاری برای درخشش معیارهای مدرنیته در مقام مقایسه با امر کهن باشد.

خودباختگی فرهنگ محلی در برابر فرهنگ جهانی یکی از محورهای توجیه‌کننده مقوله جهانی‌سازی است که روی دیگر آن خودباختگی نخبگان سیاسی در برابر فرهنگ جهانی است. چنانکه در ادامه خواهد آمد، مشروعیت‌زدایی از فرهنگ محلی برای توجیه فرهنگ جهانی سازوکار تهی کردن فرهنگ محلی از کاربرد و استفاده است.

۲. مدرنیزاسیون

جدول ۳: مقوله مدرنیزاسیون، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
مدرنیزاسیون	شهرنشینی	غلبه هویت شهری به تضعیف زبان محلی منجر شده چشم و هم‌چشمی در مصرف نشانه‌های به روز بودگی (زبان فارسی) مهاجرت و تغییر شکل زندگی و تغییر زبان شهر جغرافیای غلبه زبان واسط شهر قلمرو زبان رسمی نیاز به زبان واسط در زندگی پرتحرک جغرافیایی لزوم یادگیری زبان فارسی برای ارتباط شهر متنوع و روستا یکدست
	همسان‌سازی	شهر منشأ رواج زبان فارسی زبان فارسی بخشی از هویت عام همه ایرانیان
	تقابل مرکز/پیرامون	زبان فارسی نشانه پرستیژ عقدہ حقارت نسل قبل و خودداری از صحبت کُردی با فرزندان تقابل شهر و روستا؛ نو/کهنه انتساب زبان کُردی به روستا

مدرنیزاسیون مهمترین مفهوم در تبیین وضع موجود از سوی مصاحبه شونده‌گان است. گزاره‌های مهم این فقره ورود مظاهر فرهنگ مدرن و به حاشیه‌راندن عناصر محلی است؛ شهرنشینی، نیاز به زبان رسمی در قلمرو دولت-ملت، افاده یکدستی فرهنگ، تحرک جغرافیایی و طبقاتی و تمرکزگرایی از عناصر اصلی مدرنیزاسیون هستند.

در این محور، زبان فارسی به محمل ورود ارزش‌های مدرن تعبیر شده که به دلیل مرکزگرایی و طرد پیرامون به نشانه‌ی پرستیژ و منزلت بدل شده و به همین دلیل بخاطر خودباختگی حاصل از جهانی‌سازی افراد تلاش می‌کنند مظاهر نوشدگی را تقلید کنند. این فرایند بواسطه‌ی دوگانه‌ی شهر/ روستا و نو/کهنه اجرا می‌شود و افراد برای فاصله از فرهنگ

منسوخ روستایی از آن فاصله می‌گیرند و چون خود تجربه طرد داشته‌اند فرزندان را از آن مهلکه دور نگه می‌دارند و زبان فارسی را به مثابه نشانه‌ی این نوشدگی مصرف می‌کنند.

مفهوم مدرنیزاسیون با مقولات شهرنشینی، همسان سازی و تقابل مرکز/پیرامون به رها کردن فرهنگ محلی و حتی دوری جستن و نفی و تحقیر آن منجر شده است. شهر قلمرو امر نو و نشانه‌ی پیشرفت است در مقابل روستای کهنه‌گرا و بواسطه این تقابل نمی‌توان و نباید شهر را با فرهنگ روستا آلوده کرد. رقابت بر سر پیشرفت به انکار فرهنگ و زبان محلی و انتساب به نشانه‌های فرهنگ شهری دامن زده که خود مؤلفه‌ی اصلی مدرن شدن است.

۳. دولت

جدول ۴: مقوله دولت، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
دولت	آموزش و پرورش	ممنوعیت آموزش به زبان مادری مرجعیت معلم در مدرسه که به زبان فارسی صحبت می‌کند زبان فارسی زبان علم و پیشرفت بی‌توجهی نهاد آموزش به زبان محلی رسمیت زبان فارسی در قانون و اجرا فارسی زبان ادارات و رسانه‌ها تبلیغ و ترویج زبان فارسی منابع آموزشی همه به زبان فارسی است
	تبعیض	توزیع فرصت‌های شغلی براساس تسلط به فارسی زبان فارسی معیار فرهیختگی و اهلیت و سواد زبان فارسی زبان ارزیابی و توزیع امتیازات اعتماد به نفس در زبان فارسی اهتمام دولت به آموزش زبان فارسی ممنوعیت آموزش به زبان مادری

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
	رسانه	رسمیت زبان فارسی در رسانه بازتولید کلیشه‌ها در مورد فرهنگ‌های محلی برنامه‌ها زبان محلی رسانه‌ها جذاب نیست تحقیر و تمسخر فرهنگ‌های محلی در رسانه غلبه زبان فارسی رسانه محلی باید به زبان محلی برنامه بسازد تبلیغ و ترویج زبان فارسی بی‌توجهی رسانه‌ها به فرهنگ محلی
	قانون‌گریزی	تلقی امنیتی از آموزش زبان محلی بی‌توجهی به قانون اساسی در آموزش زبان محلی ممنوعیت آموزش به زبان مادری
	تمرکزگرایی	انحصار رسانه در دست دولت تمرکزگرایی فرهنگی دولت اهتمام دولت به آموزش زبان فارسی ممنوعیت آموزش به زبان مادری
	نفی تکثرگرایی	خودباختگی فرهنگی شهرهای حاشیه‌ای فقدان رسمیت زبان کردی حمل بر بی‌اهمیتی آن شده ممنوعیت آموزش به زبان مادری

دولت از پرتکرارترین مضامین مصاحبه‌های این تحقیق بود. گزاره‌هایی که به وظایف و نقش دولت در کمرنگ‌شدن زبان و فرهنگ محلی اشاره داشتند بر مقوله آموزش و پرورش و رسانه‌ها متمرکز هستند که هر دو در انحصار دولت قرار دارند. دولت به شکل مستقیم از طریق آموزش زبان فارسی در مدارس، تهیه منابع آموزشی به فارسی و بی‌توجهی به زبان‌های محلی به کمرنگ‌شدن زبان کردی کمک کرده است. همچنین رسانه‌ها که رادیو و تلویزیون از مهمترین آن‌ها هستند با رسمیت زبان فارسی به ترویج آن می‌پردازند و با بازتولید کلیشه‌های بازمانده از مدرنیزاسیون پهلوی، زبان محلی را با نشانه‌های عقب‌افتادگی پیوند می‌زنند و زمینه‌ی طرد آن‌ها را فراهم می‌کنند.

رسانه‌ها همچنین وقتی در شبکه‌های محلی با زبان محلی برنامه تولید می‌کنند متکی بر مناسبات مرکزگرایانه هستند و از شکل زندگی که محمل زبان محلی است استفاده نمی‌کنند لذا حتی وقتی از زبان محلی استفاده می‌کنند به معانی مرکزگرایانه تکیه می‌کنند.

دولت همچنین با سازوبرگ‌های خود به طرد زبان و فرهنگ محلی دامن می‌زند؛ توزیع فرصت‌های شغلی بر اساس تسلط به زبان فارسی، منزلت‌بخشی به زبان فارسی، منزلت‌زدایی از زبان محلی و پیوند اعتماد به نفس با زبان فارسی. این فرایندها به خودباختگی فرهنگ‌های محلی منجر شده و فقدان رسمیت زبان محلی به بی‌اعتباری آن تعبیر می‌شود.

دولت در مواجهه با زبان محلی از ظرفیت‌های قانون اساسی استفاده نمی‌کند و رویکردی امنیتی به آن دارد که نوعی جرم‌انگاری و رفتار خلاف قانون از آموزش زبان محلی افاده می‌شود. تمرکزگرایی دولت و تأکید بر زبان فارسی به بی‌توجهی به زبان‌های محلی منجر شده است.

۴. منسوخ کردن زبان محلی

جدول ۵: مقوله منسوخ کردن زبان کُردی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
منسوخ کردن زبان محلی	کاربرد زدایی از زبان کُردی	استهلاک زبان کُردی بخاطر عدم استفاده تلقی زبان فارسی زبان آموزش/زبان کُردی بلااستفاده زبان کُردی متولی ندارد بی‌کلاس دانستن زبان کُردی خجالت والدین از فارسی ندانستن فرزندان جمعیت کم گویشوران کُردی به کم‌رنگ‌تر شدن آن منجر شده کاربرد زدایی از زبان محلی
	مشروعیت زدایی از فرهنگ محلی	معرفی زبان کُردی به‌عنوان زبان عوام و آدم‌های قدیمی استحاله زبان و فرهنگ کُردی در کرمانشاه (غلبه فارسی) طرد کسانی که به زبان کُردی صحبت می‌کنند به‌حاشیه‌راندن زبان و فرهنگ کُردی
	انتساب زبان کُردی به گذشته	معرفی کُردی به‌عنوان زبان تاریخ مصرف‌گذشته کُردی زبان سنت و گذشته

از نظر مصاحبه‌شوندگان مقولاتی مانند کاربردزدایی از زبان کُردی، مشروعیت‌زدایی از فرهنگ محلی و عقب‌افتاده و عوامانه دانستن زبان کُردی، این زبان و عناصر فرهنگی آن را منسوخ کرده و این سازوکار اصلی کمرنگ‌شدن زبان کُردی است. والدین بخاطر بلااستفاده بودن زبان کُردی از آموزش آن به فرزندانشان پرهیز می‌کنند و این باعث کم‌شدن جمعیت گویشوران این زبان می‌شود و همین فرایند به شکلی خودفزا به بلااستفاده شدن بیشتر زبان کُردی منجر می‌شود. اگر زبانی جایگزین برای تعامل در ساحت‌های عمومی و خصوصی وجود داشته باشد که نیازهای افراد را برآورده کند دیگر استفاده از زبان کُردی توجیهی نخواهد داشت.

کاربردزدایی از زبان کُردی باعث مشروعیت‌زدایی و بی‌اعتباری این زبان خواهد شد و به همین دلیل به زبانی تاریخ گذشته و بی‌پرستیژ بدل می‌شود که همه از آن پرهیز می‌کنند. این وضعیت به نوعی خودکم‌ترینی کُردزبانان منجر می‌شود و اولین نشانه‌ی پیشرفت را تغییر زبان و لهجه می‌دانند. این خودکم‌بینی به استحاله فرهنگی و بی‌هویتی منجر می‌شود که مهمترین دلیل آسیب‌پذیری در برابر جهانی‌سازی است.

مفهوم «منسوخ کردن» در این‌جا فاعلی مجهول دارد که در پرتو جهانی‌سازی، مدرنیزاسیون و دولت معنادار می‌شود. به نظر می‌رسد مطاحبه‌شوندگان دولت را کارگزار جهانی‌سازی می‌دانند و زبان فارسی را هموارکننده این مسیر ارزیابی می‌کنند. پیوند مناسبات جهانی با وضعیت محلی نیازمند واسطی است که در اینجا دولت معرفی شده است.

۵. تحقیر فرهنگ محلی

جدول ۶: مقوله تحقیر فرهنگ محلی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
تحقیر فرهنگ محلی	برچسب عقب‌ماندگی به زبان محلی	معرفی زبان محلی به‌عنوان نشانه عقب‌ماندگی بی‌کلاس دانستن فرهنگ و زبان محلی طرد بخاطر لهجه از سوی فرهنگ رسمی تلقی زبان فارسی به مثابه پرستیژ و منزلت طرد زبان محلی بخاطر تداعی رسوم سنتی که از رونق افتاده‌اند تعبیر عقب‌افتادگی از زبان کُردی

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
		مد روز شدن زبان فارسی غلبه فرهنگ رسمی و خودکمترینی عاملان زبان کُردی فرا دست بودن زبان و فرهنگ مرکز (فارسی) فرو دستی اقتصادی و فرهنگی پیرامون در مقابل مرکز زبان کُردی زبان روستا معرفی شده
	احساس خودکمترینی	خودباختگی کرمانشاهیان عقده حقارت نسل قبل و خودداری از صحبت کُردی با فرزندان احساس حقارت در زبان کُردی خودباختگی فرهنگی و پرهیز از زبان کُردی
	طرد و تمسخر	طرد افراد با لهجه کُردی طرد و انزوای افراد عامل به زبان کُردی تلقی زبان فارسی به مثابه پرستیژ و منزلت تمسخر زبان محلی از سوی فرهنگ مسلط
	تبعیض علیه زبان کُردی	زبان کُردی زبان روستا معرفی شده زبان فارسی زبان پیشرفت و سواد و منزلت شده تبعیض میان زبان ها و لهجه ها در فرهنگ رسمی و غیررسمی بی توجهی به زبان محلی

تحقیر و تمسخر فرهنگ محلی مفهومی است که با عناصری مانند برجسب عقب ماندگی به زبان کُردی، طرد و تمسخر زبان و لهجه کُردی، تبعیض علیه این زبان و احساس خودکمترینی در نتیجه این تحقیرها، توجیه شده و توضیح داده شده است. گزاره تمسخر زبان و لهجه کُردی از مضامین پرتکرار از سوی مصاحبه شونده‌گان بود که در پاسخ به سوال‌های متفاوت بیان شده است. تمسخر زبان کُردی بر بستر طرد فرهنگ مقوم آن اجرا می‌شود و با انتساب آن به گذشته، زندگی روستایی و افراد بی‌سواد، امکان تحقیر آن نیز فراهم می‌آید. این فرو دستی اقتصادی و منزلتی باعث احساس خودکم‌بینی و خودباختگی می‌شود که زمینه‌ی تمسخر را فراهم می‌آورد.

مفهوم تحقیر و تمسخر در مصاحبه‌های متعدد تکرار شده و گزاره‌های مؤید آن بر زمینه‌های فرودستی اقتصادی و به تبع آن فرودستی فرهنگی و منزلتی استوار شده‌اند. انتساب زبان‌گردی به روستا و زبان فارسی به شهر، شکاف تاریخی این دو قلمرو مفهومی را احضار کرده و اثر آن بسی بیشتر از تفاوت محل زندگی صاحبان زبان‌ها می‌شود.

۶. اجبار در یادگیری زبان فارسی

جدول ۷: مقوله اجبار در یادگیری زبان فارسی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
	اجبار اقتصادی	زبان فارسی زبان پیشرفت است زبان فارسی زبان موفقیت زبان فارسی نشانه پایگاه اجتماعی بالا آینده تحصیلی در گرو یادگیری زبان فارسی زبان فارسی نشانه پیشرفت همراهی با طبقه بالا فارسی دانستن تضمین آینده کاربردی بودن زبان فارسی
اجبار	اجبار اجتماعی	کاربردی بودن زبان فارسی خانواده‌ها عامل کم‌رنگ شدن زبان محلی اهتمام خانواده به یادگیری فارسی برای موفقیت تحصیلی بخاطر همراهی با جو عمومی به زبان فارسی صحبت می‌کنند بی‌توجهی مردم به زبان محلی شرم والدین از صحبت فرزندان به زبان‌گردی زبان فارسی مد روز است طرد در صورت تلکم به زبان‌گردی گرایش به سمت زبان فارسی است
	اجبار سیاسی	رابطه زبان فارسی و‌ گردی ارعاب‌آمیز است برتری زبان فارسی بخاطر رسمیت آن یادگیری فارسی اجباری است

اجبار در یادگیری زبان فارسی فرض اصلی همه‌ی مصاحبه‌شوندگان بوده است اما در وجوه مختلف اعمال می‌شود و لزوماً متکی بر اعمال قدرت مستقیم نیست. مصاحبه‌شوندگان بر اجبار اقتصادی تأکید بیشتری داشته‌اند که بنیان اجبار اجتماعی و اجبار سیاسی هم بوده است. از آنجا که زبان فارسی زبان پیشرفت و موفقیت، نشانه پایگاه اجتماعی بالا، ابزار دسترسی به امکانات و امتیازات و کاربردی بودن آن مهمترین دلایل پاسخگویان برای احساس ضرورت یادگیری زبان فارسی و اهتمام خانواده‌ها به فارسی بجای زبان مادری است.

اجبار اقتصادی مهمترین عامل گرایش به سمت زبان فارسی در بعد اجتماعی است. خانواده‌ها بخشی از آینده‌اندیشی برای تأمین آتیه فرزندانشان را در یاددادن زبان فارسی به آن‌ها می‌دانند و لذا مناسبات هنجاری حول زبان فارسی از جمله با کلاس بودن این زبان نیز شکل می‌گیرد. با وجود ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی، اجبار سیاسی از سوی دولت نیز دور از انتظار نخواهد بود.

۷. ضرورت احترام به فرهنگ محلی

جدول ۸: مقوله ضرورت احترام به فرهنگ محلی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
ضرورت احترام به فرهنگ محلی	آموزش زبان کُردی	آموزش همزمان کُردی و فارسی آموزش فرهنگ محلی و استفاده از آن تا بازتولید شود تحقیق و تکلیف دانش‌آموزی درباره فرهنگ و زبان کُردی آموزش افتخار به فرهنگ و زبان محلی آموزش زبان کُردی در مدرسه دولت متولی زبان های محلی باشد
	تشخص و احترام برای زبان کُردی	برای تبادل فرهنگی در جهان باید چیزی داشته باشیم عدم کم‌بینی فرهنگ‌های محلی اصلاح تصور عقب‌ماندگی زبان‌های محلی رسانه محلی با زبان و فرهنگ کُردی برنامه بسازد جلوگیری از تمسخر زبان کُردی احترام به اقوام و حفظ دانش بومی و بازتولید آن

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
	احیای فرهنگ کُردی	اگر لباس کُردی زیباست زبان کُردی هم زیباست تقویت فرهنگ محلی برای مقاومت در برابر غربی شدن رسانه محلی با زبان و فرهنگ کُردی برنامه بسازد استفاده از عناصر فرهنگ محلی (موسیقی، و ...)
	بازتعریف رابطه مرکز پیرامون	رسمیت زبان محلی در کنار زبان فارسی یادگیری فرهنگ‌ها از همدیگر دوسویه و برابر باشد نفی رابطه سلطه بین فرهنگ‌ها احترام متقابل فرهنگ‌ها به همدیگر رابطه برابر فرهنگ‌های با هم نه یکسویه
	کارکردی کردن زبان کُردی	اهمیت نوشتار و تولید ادبیات با فرهنگ و به زبان کُردی انتشار رسانه مکتوب به زبان کُردی تحقیق و تکلیف دانش‌آموزی درباره فرهنگ و زبان کُردی استفاده از فرهنگ محلی تا بازتولید شود رفع تبعیض اقتصادی بین زبان‌ها
	تکنرگرایی	آموزش زبان کُردی در کنار انگلیسی فرهنگ‌سازی و غنای ذهنی ترویج موسیقی و فرهنگ محلی دوزبانگی در خدمت تقویت توان یادگیری کودکان برنامه‌های متنوع در صورت استفاده از زبان و فرهنگ محلی یادگیری همزمان فارسی، انگلیسی و زبان مادری

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سوال راهکار تقویت زبان مادری به ترتیب اهمیت سه عامل را ذکر کرده‌اند؛ احترام به فرهنگ محلی، آسیب‌های تک‌زبانی و اهمیت فرهنگ محلی. احترام به فرهنگ محلی مهمترین و پرتکرارترین پاسخ بوده است که با مقولات آموزش زبان کُردی، تشخص و احترام به آن، احیای فرهنگ کُردی، بازتعریف رابطه مرکز پیرامون، کارکردی کردن زبان کُردی و تکنرگرایی قابل توجیه هستند. در مصاحبه‌های تحلیل‌شده آموزش همزمان کُردی با فارسی، استفاده از عناصر فرهنگ محلی در مفاد درسی، رفع خودکم‌بینی زبان و فرهنگ

محلی، برنامه و رسانه با زبان و فرهنگ محلی و احترام و تشخیص به زبان و فرهنگ محلی مهمترین راهکار اعاده جایگاه زبان کُردی است.

دو مقوله‌ی مهم در این فقره مورد اشاره قرار گرفته است؛ اول کارکردی کردن زبان کُردی و دوم تکثرگرایی. کارکردی کردن زبان از وجوه اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید بوده است. تولید ادبیات به این زبان در رسانه‌های مکتوب و فراهم کردن امکان استفاده از آن در مراودات رسمی، رفع تبعیض علیه گویشوران یک زبان و توزیع امکانات و امتیازات سطح خرد و کلان از جمله اقتضائات کاربردی کردن زبان است. در مورد تکثرگرایی رابطه‌ی دوسویه‌ی و برابر فرهنگ‌ها و زبان‌ها، احترام متقابل، آموزش همزمان زبان‌های سطوح هویتی محلی، ملی و بین‌المللی (کُردی، فارسی و انگلیسی) گزاره‌های پرتکرار بوده است.

۸. آسیب‌های تک‌زبانی

جدول ۹: مقوله آسیب‌های تک‌زبانی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
آسیب‌های تک‌زبانی	افت تحصیلی	افت تحصیلی در صورت آموزش به زبان فارسی تبعیض سیستماتیک علیه غیرفارسی‌زبانان زبان و فرهنگ عامل همبستگی است تکلم به زبان مادری دانستن یک زبان بیشتر و توانایی است
	هویت‌زدایی	فقدان اعتماد به نفس و خودکم‌بینی بی‌هویتی افراد در صورت فراموشی زبان مادری تهی شدن رابطه افراد در صورت فقدان زبانی مادری نفی زبان کُردی نابودی یک جهان فکری است بی‌زبانی بی‌فرهنگی است زبان کُردی حافظ سنت است
	تضعیف هویت ملی	فراموشی تاریخ، رسوم و آداب جمعی در صورت نابودی زبان کُردی زبان محلی دین‌سالار است

در توجیه ضرورت توجه به زبان کُردی، مصاحبه‌شوندگان به آسیب‌های تک‌زبانی و حذف زبان مادری به نفع زبان فارسی اشاره کرده‌اند. افت تحصیلی کودکانی که مجبورند با زبان دوم

خود تحصیل کنند در کنار هویت زدایی و تضعیف هویت ملی از آسیب‌های مورد تأکید پاسخگویان بوده است. مقصود از تک‌زبانی، جایگزینی زبان فارسی یا زبان مادری است که طی آن افراد زبان مادری خود را فراموش می‌کنند یا در مرتبه دوم اهمیت ارزیابی می‌کنند. این فرایند به هویت‌زدایی و تهی‌شدن آدمیان از پیشینه و تاریخ و خاطره خواهد بود. آدمیان بی‌تاریخ و بی‌خاطره، تعلق به فرهنگ ملی نیز نخواهند داشت زیرا فرهنگ ملی ترکیبی از آداب و فرهنگ‌های محلی مختلف است و فراموشی آن‌ها به فقر ذخیره فرهنگ ملی نیز منجر می‌شود.

۹. اهمیت فرهنگ بومی

جدول ۱۰: مقوله اهمیت فرهنگ بومی، مفاهیم و گزاره‌های مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم	کدهای مفهومی
اهمیت فرهنگ محلی	هویت به مثابه‌کل	اصالت و قدمت قوم کُرد زیبایی فرهنگ و زبان کُردی زبان واسطه هویت فراموشی زبان بی‌هویتی است زبان مادری شناسنامه فرد پیوند نسلی و فرهنگی هویتی انتقال میراث شفاهی از طریق زبان کُردی
	نسبت زبان و زندگی	زبان کُردی در پیوند با زندگی و موسیقی کُردی است فرهنگ کُردی غنی و زیبایی‌های بسیار دارد (لباس و غذا و ...)
	زبان ابزار مقاومت فرهنگی	زبان و فرهنگ کُردی مقاومت در برابر غربی‌شدن است در مبادله فرهنگی باید چیزی داشته باشیم که ارائه دهیم زبان اساس تعلق فرهنگی است زبان ذهن و زندگی انسان‌ها را می‌سازد زبان باردار از خاطره و تاریخ است

از نظر مصاحبه‌شوندگان، حفظ فرهنگ محلی مهمترین ابزار مقاومت در برابر فرایندهای یک‌سویه و سلطه‌آمیز در قالب جهانی‌سازی است. اگر در مواجهه با جهانی‌سازی چیزی برای عرضه نداشته باشیم، مقهور آن خواهیم شد و فرهنگ محلی مهمترین داشته برای مواجهه با این جریان است زیرا افراد را با هویت محکم محلی از وادادگی در برابر فرهنگ غربی حفظ می‌کند. زبان به مثابه ابزار مقاومت فرهنگی در دنیای نشانه‌ها می‌تواند ذهن و زبان انسان‌ها را با پیوند به یک شکل زندگی از تزلزل در برابر مراودات یکسویه مصون کند.

نتیجه‌گیری

طرح مفهومی حاصل از تحلیل داده‌ها، جهانی‌سازی را به عنوان عامل اصلی انقراض زبان در این منطقه معرفی می‌کند. جهانی‌سازی مفهومی است که به واسطه‌ی تحلیل دلالت گزاره‌های مصاحبه‌شوندگان از جهانی‌شدن انتخاب شده است. گرچه فهم پاسخگویان از این مفهوم پراتیک و عملی بوده اما ظرایف نظری این مفهوم و دلالت‌های پیچیده و پوشیده‌ی آن را به دقت احصا کرده‌اند. فرایند جهانی‌سازی با تکنولوژی‌های ارتباطی و محتوایی که در آن ترویج می‌شود و منش و روش زندگی فردی و جمعی مرسوم را دگرگون می‌کند و هم‌تراز با نوگرایی و به‌روز بودن تعریف شده است. جهانی‌سازی با فشار برای نوگرایی تعریف شده و این تعریف دقیقی از مکانیسم تضمین مصرف و سود سرمایه‌داری است که جهانی‌سازی را به حرکت در می‌آورد. میانجی اثر جهانی‌سازی بر مناسبات محلی نیز سیاست‌های دولت مرکزی است. مدرنیزاسیون سیاست رسمی پهلوی اول و دوم بوده که پیامدهای مفید و مخرب آن تا امروز ادامه داشته است. بعد از انقلاب نیز جهانی‌سازی پس از مدت کوتاهی به نام تعدیل، توسعه یا تعالی و پیشرفت از سر گرفته شد. مدرنیزاسیون وجه داخلی نوگرایی است که الگویی در مقابل زیست‌جهان بومی زبان و زندگی محلی ارائه کرده و آن را امری مربوط به گذشته و تاریخی معرفی کرده که امروزه کارایی خود را از دست داده و باید با سامانی نوین جایگزین شود. استفاده از سلوک زندگی بومی به عنوان امری تزیینی، توریستی، موزه‌ای یا نوستالژیک در خدمت نوگرایی است که عناصر کاربردی زندگی را در فضایی تصنعی بازتولید کرده اما در عمل

از آن کاربردزدایی می‌کند و بر همین مبنا عدم استفاده از شیوه‌ی زندگی بومی به فرسایش بیشتر آن منجر می‌شود.

ایده‌ی کاربردزدایی از زبان و زندگی که به انقراض آن‌ها می‌انجامد از مهمترین مفاهیم برآمده از مصاحبه‌های این تحقیق است. نوگرایی شیوه‌های کهن را از کاربرد تهی می‌کند و این مهمترین مکانیسم پذیرش نوگرایی و بازتولید آن است. نوگرایی فرمی است تهی از محتوا؛ جایگزینی دائم رویه‌ها با هدف مصرف و کنارگذاشتن آن‌ها. حتی ممکن است رویه‌های سنتی نیز احیا شوند اما با هدف مصرف نشانه‌های آن. فرم به غایت بدل می‌شود و تمایز ساخت‌های زیست را در هم می‌شکند؛ چیزی شبیه مک‌دونالدیزه شدن که خانواده، علم، سیاست و اقتصاد را در خود فرو برده است.

نسبت میان جهانی‌سازی و میانجی داخلی آن یعنی مدرنیزاسیون از رهگذر کاربردزدایی از زبان انجام می‌گیرد و این کاربردزدایی از زبان هم بخشی از نوگرایی است و هم خود حاصل نوگرایی در زندگی که بنیان زبان است؛ با تغییر شکل زندگی، زبان نیز دگرگون می‌شود. مقوله تحقیر فرهنگ محلی نیز بخشی از دلالت معنایی مدرنیزاسیون در ایران بوده است. تمسخر فرهنگ دور از مرکز با مؤلفه‌های متفاوت زبانی و قومی در فرهنگ رسمی همواره وجود داشته است و در کتاب‌های درسی، سینما، رسانه‌ها و جوک‌ها بازتولید می‌شود. این تمسخر متکی بر همان فرایند کاربردزدایی و تلقی فرهنگ محلی به مثابه پدیده‌ای عقب‌مانده، متعلق به گذشته، غیرشهری و بدوی بوده است.

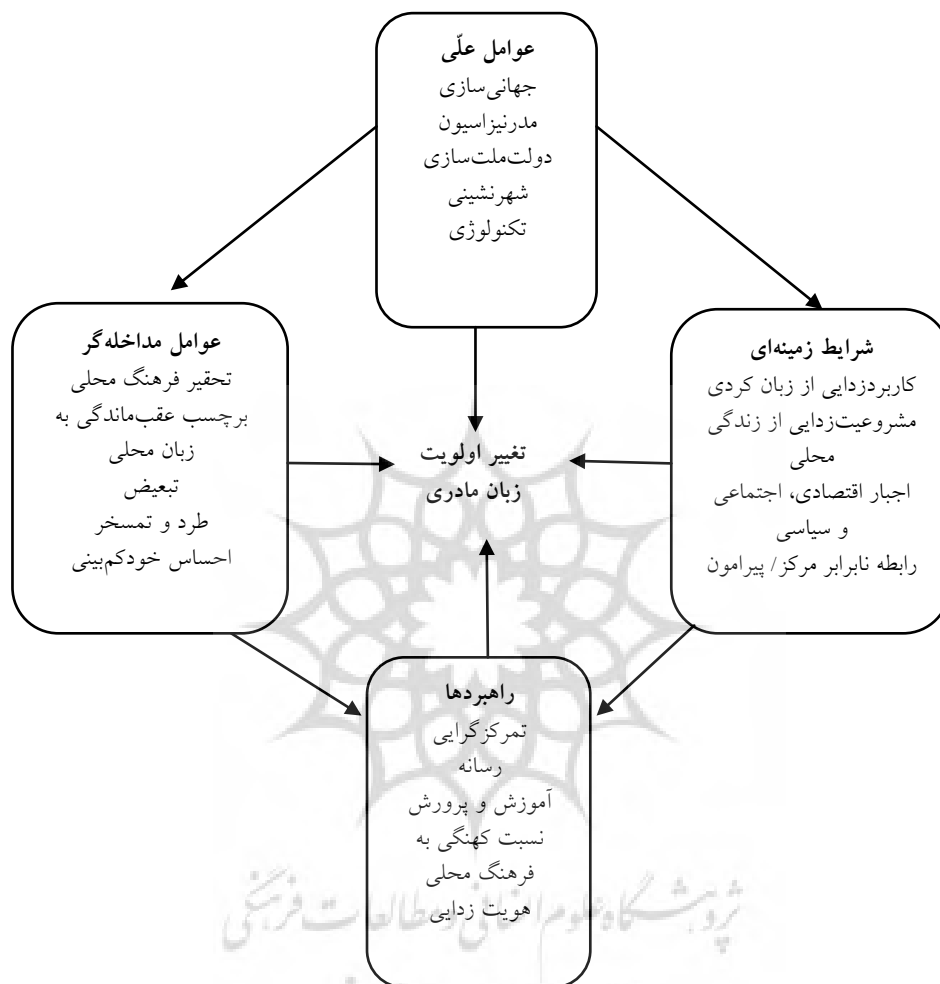
اجبار به یادگیری زبان فارسی برخلاف تلقی موجود که آن را امری سیاسی و فرهنگی می‌داند که دولت مرکزگرا کارگزار آن است، در این پژوهش پدیده‌ای اقتصادی معرفی شده است. این فهم از اجبار یکی دیگر از بصیرت‌های نظری حاصل از مصاحبه‌های پژوهش است. اجبار اقتصادی مهمترین علت کاهش اقبال به زبان محلی است زیرا امتیازات اقتصادی و فرصت‌های شغلی بر اساس تسلط به زبان رسمی توزیع می‌شود و این مکانیزم کاربردزدایی از زبان محلی و زمینه‌ساز انقراض آن است.

در مقولات توجه به فرهنگ و زبان محلی سه مؤلفه (ضرورت احترام به فرهنگ محلی، آسیب‌های تک‌زبانی، اهمیت فرهنگ بومی) منظومه‌ی مفهومی این پژوهش را تکمیل می‌کند.

مصاحبه‌شوندگان توجه به فرهنگ محلی را در راستای تقویت فرهنگ ملی ارزیابی می‌کنند و رابطه‌ی متقابل و برابر در رابطه‌ی زبان و فرهنگ ملی، محلی و بین‌المللی را عامل تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی می‌دانند. با توجه به مناسبات اقتصادی جهانی‌سازی به نظر می‌رسد رابطه‌ی برابر فرهنگ‌ها موقوف به قدرت اقتصادی قلمروهای فرهنگی است و از این منظر زبان‌ها و فرهنگ‌های پیرامون، شانس در مبادلات فرهنگی نخواهند داشت.

جهانی‌شدن مفهومی با دلالت‌های فرجه و فراوان است که گاه رویکردهای متناقض را در بر می‌گیرد. جهانی‌سازی برای نشان‌دادن ماهیت فرایندی که در حال وقوع است مفهوم دقیق‌تری است. جهانی‌سازی تحمیل سیاست‌های اقتصادی مرکز به پیرامون برای حفظ موقعیت فرادست کشورهای مسلط است که سازوکار انضمامی آن نئولیبرالیسم است. توصیف ابعاد نئولیبرالیسم از قلمرو تجربی این تحقیق فراتر می‌رود اما تا جایی که به مسأله این مکتوب مربوط است، نئولیبرالیسم یکی از عوامل انقراض زبان‌ها در جهان محسوب می‌شود. (ن.ک آمانو و دیگران، ۲۰۱۴)

مدل پارادایمی نسبت عوامل علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و راهبردهای توضیح پدیده‌ی انقراض زبان‌های محلی را می‌توان به شکل زیر نشان داد. با این وجود، نمودار زیر تنها نسبت موجود از دسته‌بندی این عناصر و رابطه‌ی آن‌ها نیست ضمن اینکه به سختی بتوان عوامل یک پدیده را ذیل عناوین علی یا زمینه‌ای تفکیک کرد.



نمودار ۱: مدل پارادایمی اثر جهانی شدن بر تغییر اولویت زبان مادری در شهر صحنه

منابع

- 0 Amano, T & et al. (2014). Global distribution and drivers of language extinction risk. *Proceeding royal society b*. Volume 281 (1793). <http://doi.org/10.1098/rspb.2014.1574>
- 0 Block, D & Cameron, D. (Eds). (2001). *Globalization and Language Teaching*. London: Routledge.
- 0 Blommaert, J. (2010). *The Sociolinguistics of Globalization*. New York: Cambridge University Press.
- 0 Corradi, J.E. (2010). *South of the Crisis*. London: Anthem Press.
- 0 Fairclough, N. (2006). *Language and Globalization*. London: Routledge.
- 0 Helpman, E. (2018). *Globalization and Economy*. Massachusetts: Harvard University Press.
- 0 Hickel, j & kallis, G. (2020). Is Green Growth Possible? *New political Economy*. Vol 25 (4). <https://doi.org/10.1080/13563467.2019.1598964>
- 0 Ladegaard, H. (2021). Globalization and Changing Culture. *Oxford Research Encyclopedia of Communication*. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228613.013.173>
- 0 Navarro, V (Ed). (2007). *Neoliberalism, Globalization and Inequalities*. London: Routledge.

